

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن میباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین - ۲۱ نومبر ۲۰۱۳

## چند دانه رباعیگ الله بسم الله

(قسمت هشتم)

در دلم میگردد؛ یعنی میگذرد، که اگر خواننده ارجمند خُرده بگیرد، که چرا در وصف فرزندزاده عزیز خود این همه قلم میفرسایم و زبان شعر را همدرین جهت دراز میسازم؛ چه جوابی میتوانم داد و بگفته بزرگان قدیم، "میتوانم دادن"؟؟؟ شاید هزار و یک جواب، و بیشتر از آن، بر نوک قلم روان گردد، من اما فقط به یکی بسنده میکنم:

وقتی به آثار شعرای بزرگ متقدم مینگریم و از جمله با تأسف مینگریم که از بهر مثال بزرگترین شاعر زبان دری و استاد استادان سخن، اعنی عُنصری بلخی، تمام فنّ و هم هنر شعر خود را در پای شمشیر خونریز محمود غزنوی ریخته است، چرا من بحیث شاگرد نوآموز و خودآموز ادبستان شعر، نتوانم رشحه قلمم را در وصف کسی بریزم، که از سر تا پایش مهر معصومیت میریزد؟؟؟ چرا من کسی را که از دل و جان بدو مهر میورزم، و متاع دوجهان و عطای کون و مکان را برابر یک خدنگ نگاه بی گنااهش نمیدانم، نستایم؟؟؟

ای روح و روانِ دلکِ خسته من      وی دلبرکِ لطیف و لب پسته من

چندان که به تو مینگریم، مینگریم      هستی سپرِ عُمرِ ز کف رسته من

\*\*\*\*\*

من؛ عاشقِ رخساره بنایسته تو      هستم ز جهان بُریده، دلپسته تو

از کون و مکان بریده ام میدانی!!      بگسسته ازان هردو؛ و پیوسته تو

"بنايسته" کلمه زيبای پشتو و در معنای "زيبا و قشنگ" است. اين لغت ظاهراً برخاسته از کلمه دري "شايسته" است، که زبان ارجمند پشتو آن را با تغيير مدلول اصلي دري آن استعمال ميکند. کلمه "شايسته" صفت مفعولي از مصدر "شايستن" است؛ و بد نيست سطري چند درين پيوند نگاشته شود.

"شايستن" - در معنای "سزاوار بودن" - و "بايستن" - به معنای "لازم بودن" - دو مصدری اند که در قديم کاملاً و در همه صيغه ها تصريح ميگرديدند، مگر در "دري امروز"، فقط بعض صيغه های آنها را استعمال ميکنيم؛ از جمله :

- شايسته : صفت مفعولي از "شايستن" در معنای "سزاوار" و "لايق" - مدلول قديمی

- شايد : مفرد غائب فعل مضارع از "شايستن" که در مفهوم شکيه و در معنای "احتمالاً" استعمال ميشود؛ يعنی با مدلول جديد و خلاف مدلول اصلي. "شايد" در مدلول اصلي خود "سزاوار باشد" و يا "سزاوار است" معنی ميدهد.

بايسته : صفت مفعولي از مصدر "بايستن"؛ يعنی "آنچه بايد باشد" - مدلول قديمی

بايد : صيغه مفرد فعل مضارع - مفرد غائب - از مصدر "بايستن" که در مفهوم الزامی و در معنای "لازم است" و يا "لازم است که" استعمال ميگردد؛ يعنی با مدلول قديمی.

بايست : که در اصل خود صيغه ماضی مطلق از "بايستن" و در معنای "لازم بود" است، امروز بيشتر با مدلول جديد استعمال ميگردد. در دري ملک ما آن را غالباً بشکل "بايست" مينويسند - که غلط است - و مفهوم "حال" را از آن ميگيرند؛ يعنی آن را برای زمانه "حال" استعمال مينمايند، که نيز خلاف اصل است.

و اينک ادامه مطالب منظوم:

دلباخته نگاه و پرداز توام      مفتون دو چشم شوخ طنز توام  
آئینه ایام گـر از من پرسد      گویم دلکم، حبيب و دمساز توام

\*\*\*\*\*

و اين هم یکی دو دانه دوبیتی:

همو رخساز ماهت را بنازم      همو چشمای سیاهت را بنازم  
مه قربان غریو و گریه هایت      همو تیغ نگاهت را بنازم

\*\*\*\*\*

چه خوش باشه که دیدارت ببینم      چه خوش باشه که رخسارت ببینم  
به قربان دو چشم بی گناهت      فدا گـردم به آن روی چو ماهت

\*\*\*\*\*

(همبورگ - ۲۰ نومبر ۲۰۱۳)